

..... ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

انصاف و تقوای حیرت‌انگیز امیرالمؤمنین صلوات الله علیه

قسمت بیست و دوم؛ سحر شنبه ۲۷ اردیبهشت ۹۹

سوره مائده - آیه ۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا

تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به جدّ برپا باشید و به عدل و داد گواهی دهید، و مبدا دشمنی شما با قومی و ادارتان کند که به عدالت رفتار نکنید؛ به عدالت رفتار کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است، و از خدا پروا بدارید که خدا به آنچه می‌کنید آگاه است

✓ دیگران چگونه با قاتل برخورد کردند؟!

قال: أخبرنا يعقوب بن إبراهيم بن سعد الزهري عن أبيه عن صالح بن كيسان عن ابن شهاب قال: أخبرني سعيد بن المسيب أن عبد الرحمن بن أبي بكر الصديق قال حين قتل عمر: قد مررت على أبي لؤلؤة قاتل عمر و معه جفينة و الهرمزان و هم تجي فلما بغتهم ثاروا فسقط من بينهم خنجر له رأسان و نصابه وسطه. فانظروا ما الخنجر الذي قتل به عمر. فوجدوه الخنجر الذي نعت عبد الرحمن بن أبي بكر. فانطلق عبيد الله بن عمر حين سمع ذلك من عبد الرحمن بن أبي بكر و معه السيف حتى دعا الهرمزان فلما خرج إليه قال: انطلق معي حتى ننظر إلى فرس لي. و تأخر عنه حتى إذا مضى بين يديه علاه بالسيف. قال عبيد الله: فلما وجد حر السيف قال: لا إله إلا الله. قال عبيد الله: و دعوت جفينة و كان نصرانيا من نصارى الحيرة. و كان ظئرا لسعد بن أبي وقاص أقدمه المدينة للملح الذي كان بينه و بينه. و كان يعلم الكتاب بالمدينة. قال عبيد الله: فلما علوته بالسيف صلب

بین عینیه. **ثم انطلق عبید الله فقتل ابنة لأبي لؤلؤة صغيرة تدعى الإسلام. و أراد عبید الله أن لا يترك سبیا بالمدينة إلا قتله.**

الطبقات الكبرى، ج ۳، ص: ۲۷۱

عبدالرحمن فرزند خلیفه دوم گوید دیدم که هرمزان و جفینه همراه ابولولو بودند. عبید الله فرزند خلیفه دوم به صرف همین ادعا، هرمزان و جفینه را هم کشت. هم چنین دختر ابولولو را نیز به جرم پدرش کشت. تا جایی که تصمیم گرفته بود هیچ زندانی و غیر عرب را در مدینه زنده باقی نگذارد!!!

و قال ابن شهاب: قال حمزة بن عبد الله: قال عبد الله بن عمر: يرحم الله **حفصة فإنها ممن شجع عبید الله على ما فعل من قتلهم.**

انساب الاشراف ج ۱۰، ص ۴۳۳

عبدالله فرزند دیگر عمر گوید: خواهرم حفصه بود که عبید الله را بر این قتل های زنجیره ای تحریک میکرد.

و وثب ابنه **عبید الله فقتل أبا لؤلؤة و ابنته و امرأته.**

تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص: ۱۶۱

طبق نقل یعقوبی، عبید الله بغیر از ابولولو، دختر و همسرش را نیز کشت (به همراه هرمزان و جفینه مجموعاً پنج نفر بدست عبیدالله کشته شدند!!!)

✓ قتل عام و شکنجه پیش از شروع جنگ!!!

فاقتلوا قتالا شديدا حتى زالت الشمس و أصيب يومئذ من عبد القيس خاصة خمسمائة شيخ مخضوب من أصحاب عثمان بن حنيف و شيعة أمير المؤمنين سوى من أصيب من سائر الناس

الجمال و النصره لسيد العترة في حرب البصرة، ص: ٢٧٩

اصحاب جمل هنگام ورود به بصره و پیش از شروع جنگ، پانصد نفر از یاران عثمان بن حنیف و پیروان امیرالمومنین علیه السلام را فقط از تیره عبدالقیس کشتند. هرچند آمار کشته ها بیش ازین رقم بود.

فخرج طلحة و الزبير و أصحابهما حتى أتوا دار الإمارة و عثمان بن حنيف غافل عنهم و على الباب السباجة يحرسون بيوت الأموال و كانوا قوما من الزط قد استبصروا و أكل السجود جباحهم و ائتمنهم عثمان على بيت المال و دار الإمارة فأكب عليهم القوم و أخذوهم من أربع جوانبهم و وضعوا فيهم السيف فقتلوا منهم أربعين رجلا صبورا يتولى منهم ذلك الزبير خاصة ثم هجموا على عثمان فأوثقوه رباطا و عمدوا إلى لحيته و كان شيخا كث اللحية فنتفوها حتى لم يبق منها شيء و لا شعرة واحدة

الجمال و النصره لسيد العترة في حرب البصرة، ص: ٢٨١

سپاه جمل، پیش از آغاز جنگ به دارالاماره حمله کرده و چهل نفر از محافظان بیت المال را به سخت ترین شیوه کشتند و بیت المال بصره را غارت کردند. هم چنین به استاندار بصره جناب عثمان بن حنیف جسارت کردند و محاسن صورتش را کردند.

✓ رفتار کریمانه امیرالمومنین صلوات الله علیه با دشمن

وَأَمَّا فَلَانَةُ فَأَذْرَكَهَا رَأْيِي النَّسَاءِ وَضِعْنُ غَلَا فِي صَدْرِهَا كِمِرْجَلِ الْقَيْنِ وَ لَوْ دُعِيَتْ لِتَنَالَ مِنْ غَيْرِي مَا أَتَتْ إِلَيَّ لَمْ تَفْعَلْ **وَلَهَا بَعْدُ حُرْمَتُهَا الْأُولَى وَالْحِسَابُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى**

نهج البلاغة (للصبي صالح)، ص: ۲۱۸

اما آن زن (عایشه) اندیشه زنانه بر او دست یافت، و در سینه اش کینه، چون کوره آهنگری بتافت ، و اگر از او می خواستند تا آنچه به من کرد به دیگری کند، نه میکرد و چنین نمی شتافت. به هر حال حرمتی را که داشت برجاست و حساب او با خداست.

✓ اعتراف دشمن

رَوَى أَبُو مِخْنَفٍ وَ الْمَسْعُودِيُّ عَنْ هَاشِمِ بْنِ الْبَرِيدِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُخَارِقٍ عَنْ هَاشِمِ بْنِ مُسَاحِقِ الْقُرَشِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي أَنَّهُ لَمَّا انْهَزَمَ النَّاسُ يَوْمَ الْجَمَلِ اجْتَمَعَ مَعَهُ طَائِفَةٌ مِنْ قُرَيْشٍ فِيهِمْ مَرْوَانُ بْنُ الْحَكَمِ فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ وَاللَّهِ لَقَدْ ظَلَمْنَا هَذَا الرَّجُلَ يَعْزُونَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ نَكُنَّا بَيْعَتَهُ مِنْ غَيْرِ حَدَثٍ **وَاللَّهِ لَقَدْ ظَهَرَ عَلَيْنَا فَمَا رَأَيْنَا قَطُّ أَكْرَمَ**

سِيرَةً مِنْهُ وَ لَا أَحْسَنَ عَفْوَاً بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

الجمال و النصره لسيد العتره في حرب البصره، ص: ۴۱۶

چون اصحاب جمل شکست خوردند، جمعی از قریشیان که مروان نیز در میانشان بود، اعتراف کرده و به یکدیگر میگفتند: با اینکه بر علی ظلم کردیم و به ناحق بر او شوریدیم، اما پس از پیروزی با کرامت برخورد کرد و از ما گذشت. به خدا سوگند پس از رسول خدا رأفت و کرامت او بی نظیر است.

✓ پذیرش شفاعت در حق دشمنان

قال: ثم احتملها فأدخلها البصرة و أنزلها في دار عبد الله بن خلف الخزاعي، **فقالت عائشة لأخيها: يا أخي! استأمن له عليا و تمم إحسانك**، فقال لها محمد: لا بارك الله لك فيه! ثم سار إلى علي و سأله ذلك، **فقال علي: قد آمنت و آمنت جميع الناس**.

الفتوح، ج ٢، ص: ٤٨٥

پس از پایان جنگ جمل، عایشه را در خانه عبدالله بن خلف خزاعی سکونت دادند. پس عایشه به برادرش محمد سفارش کرد تا از امیرالمومنین علیه السلام بخواهد عبدالله بن زبیر را امان دهد. امیرالمومنین صلوات الله علیه فرمودند: نه تنها او بلکه دیگران را هم امان دادم.

✓ انصاف در حق دشمن

قَالَ «سَيَفُهُ أَعْرِفُهُ أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ قَاتَلَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ص غَيْرَ مَرَّةٍ وَ لَكِنَّهُ الْحَيُّ وَ مَصَارِعُ السَّوِّءِ .

الجمال و النصره لسيد العترة في حرب البصرة، ص: ٣٨٩

پس از قتل زبیر، حضرت شمشیرش را بدست گرفته و فرمودند: این شمشیر برایم آشناست. به خدا سوگند بارها پیشاپیش رسول خدا بوسیله آن جهاد کرده بود. اما در نهایت لغزیدن و و به زمین خوردن در لغزشگاه های ناپسند، کار او را بدین جا کشاند.

✓ عدالت در دشمنی

جَعْفَرُ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَكُنْ يَنْسُبُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ حَرْبِهِ إِلَى الشُّرْكِ وَ لَا إِلَى التَّفَاقِ، وَ لَكِنَّهُ **كَانَ يَقُولُ: «هُمْ إِخْوَانُنَا بَعَا عَلَيْنَا»**

قرب الإسناد (ط - الحديثة)، النص، ص: ٩٤

امام باقر علیه السلام فرمودند: امیرالمومنین علیه السلام هیچ یک از دشمنانی که علیه او جنگیدند را متهم به شرک و نفاق نمی کرد بلکه با کرامت می فرمود: آنها برادران دینی ما هستند که بر ما بغی نمودند. (اهل بغی حکم فقهی مخصوص خود را دارند)

✓ اوج مظلومیت

ثم ان المغیره بن شعبه دخل علی علی رضی الله عنه، فقال: **يا امیر المؤمنین، ان لك حق الصحبه**، فافر معاویه علی ما هو علیه من امره الشام، وكذلك جميع عمال عثمان، حتی إذا اتتک طاعتهم و بیعتهم استبدلت حیثنذ او ترکت.

الاخبار الطوال، ص ١٤٢

مغیره بن شعبه (کسی که در حوادث بعد از رحلت رسول خدا خون به دل امیرالمومنین علیه السلام کرده بود) پس از به خلافت رسیدن حضرت نزد ایشان آمد و گفت: ای امیرمومنان حق دوستی و مصاحبت این است که به شما پیشنهاد دهم، معاویه را از حکومت شام برنارید بلکه او را ابقا نمایید و هم چنین سایر استانداران عثمان را نیز عزل نکنید؛ تا وقتی که پایه های حکومت استوار شود. آنگاه هر تصمیمی خواستی بگیر

✓ خط قرمز سیاست علوی علیه السلام

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: **لَوْ لَا أَنَّ الْمَكْرَ وَالْحَدِيْعَةَ فِي النَّارِ لَكُنْتُ أَمْكِرُ النَّاسَ**

الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٢، ص: ٣٣٦

امیرالمومنین صلوات الله علیه فرمودند: اگر نیرنگ و فریبکاری باعث عذاب الهی نبود، بی گمان مکارترین مردم بودم.

✓ تقوا، اصل حاکم در سیاست علوی علیه السلام

وَكَمْ مِنْ أَمْرٍ صَدَّكَ عَنْ إِمْضَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ التُّقَى، وَ اتَّبَعَ غَيْرُكَ فِي نَيْلِهِ الْهَوَى، فَظَنَّ الْجَاهِلُونَ أَنَّكَ عَجَزْتَ عَمَّا إِلَيْهِ انْتَهَى، ضَلَّ وَ اللَّهُ الظَّانُّ لِدَلِّكَ وَ مَا اهْتَدَى.

المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص: ۲۷۶

امام هادی علیه السلام در زیارت پر ارج غدیریه می فرمایند: چه بسیار کارهایی که تقوا تو را از انجام آن بازداشت؛ ولی دیگران در امثال آن کارها از هوای نفس پیروی کردند. تا جایی که نادان ها خیال کردند تو حکومت داری بلد نیستی و توان مدیریت نداری! به خدا سوگند سخت در اشتباهند.

هَيْهَاتَ لَوْلَا التُّقَى لَكُنْتُ أَذْهَى الْعَرَبِ

الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۸، ص: ۲۴

امیرالمومنین علیه السلام در خطبه وسیله فرمودند: اگر تقوا دست و پای مرا نمی بست، از همه ی مکاران عرب، مکر و حيله را بهتر بلد بودم.

✓ عدالت تک بعدی نیست!

قَالَ: كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لِي الْمُنْدِرِ بْنِ الْجَارُودِ فَارِسَ فَاخْتَارَ مَالًا مِنَ الْخَرَاجِ قَالَ: كَانَ الْمَالُ أَرْبَعِمِائَةَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ فَحَبَسَهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَشَفَعَ فِيهِ صَعْصَعَةُ بْنُ صُوحَانَ إِلَى

عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَامَ بِأَمْرِهِ وَ خَلَّصَهُ

الغارات (ط - القديمة)، ج ۲، ص: ۳۵۸

امیرالمومنین علیه السلام منذر بن جارود را به فرمانروائی ناحیه فارس گماشت، او مقداری از اموال خراج (مالیاتهای ارضی) را بالا کشید که مقدار آن چهارصد هزار درهم بود، و حضرت نیز او را عزل و زندانی کرد؛ ولی چون جناب صعصعه شفاعت او را نمود، حضرت او را آزاد کرد (و فقط با دریافت غرامت از حبس او گذشت.)